

نقش دین در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سبحانی‌نیا*

اشاره

انحراف و ناهنجاری، سابقه دیرینه‌ای در زندگی بشر دارد. جوامع بشری همواره شاهد فرو رفتن افرادی در گرداب ناهنجاری‌های اجتماعی بوده و تجارب تلخی از آسیب‌های آن در هدر رفتن سرمایه‌ها و نابسامانی خود و اجتماع دارند. بدین سبب، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و حقوق‌دانان با توجه به تخصص‌های خود، راهکارهایی برای مقابله و پیشگیری از انحرافات به جوامع ارائه می‌دهند. نکته قابل تأمل آن است که آیا در این مقوله، دین هم می‌تواند نقشی ایفا نماید و آیا می‌توان از اهرم دین برای این امر بهره برد؟ لازم است قبل از تبیین رویکرد دینی به انحرافات اجتماعی، تصویر درستی از مفهوم ناهنجار اجتماعی ارائه شود.

معنای ناهنجار

واژه نابهنجار در برابر بهنجار قرار دارد. فرد بهنجار، کسی است که با

* عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان.

خود، محیط پیرامون و انتظارات محیطش هم‌سازی داشته باشد.^۱ در اصطلاح جامعه‌شناسی، هنجارها را الگوهای استاندارد شده رفتار می‌گویند. این الگوها نشان‌دهنده رفتار ایده‌آل یا مطلوب جامعه است.^۲ بنابراین هنجارهای اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان باید چه بگوید و از گفتن چه چیزهایی اجتناب ورزد، چگونه بیندیشد و چگونه رفتار کند. از این رو هر کس سعی می‌کند رفتار خود را با هنجارهای اجتماعی سازگار نماید تا جامعه او را به عضویت خود بپذیرد.^۳ قوانین، شیوه لباس پوشیدن، مقررات رسمی و اداری، احکام فقهی و شرعی، برنامه تحصیلی، قواعد ورزش‌ها و بازی‌ها، آداب و رسوم و نظایر آن، از جمله هنجارهای جامعه محسوب می‌شوند.^۴

در روان‌شناسی اجتماعی، شخصی نابهنجار خوانده می‌شود که با ضوابط اجتماعی فرهنگی محیط پیرامون خود، سازگاری نیافته باشد و در روان‌پزشکی، کسی نابهنجار تلقی می‌شود که با خود، محیط پیرامون و انتظارات محیطش هم‌ساز نباشد.^۵

با توجه به اینکه جامعه مورد بحث، جامعه اسلامی است، بی‌گمان مقصود از ناهنجاری در این نوشتار، رفتاری است که بر خلاف انتظارات و هنجارهای مسلمانان باشد. اگر عمل و رفتاری با هنجارها و آموزه‌های دینی سازگار باشد، عملی بهنجار و اگر ناسازگار باشد، عملی نابهنجار تلقی می‌شود.

۱. باقر ساروخانی؛ *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*؛ ج ۱، ص ۱.

۲. هدایت‌الله ستوده؛ *مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی*؛ ص ۱۹.

۳. محمدحسین فرجاد؛ *آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات*؛ ص ۱۱-۱۲.

۴. همان، ص ۱۹.

۵. باقر ساروخانی؛ *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*؛ ج ۱، ص ۱.

دین و ناهنجاری اجتماعی

اسلام به عنوان اجتماعی‌ترین دین، برنامه‌ای جامع در حوزه‌های مختلف فردی و اجتماعی ارائه کرده است. بدیهی است آموزه‌های دینی هر اندازه ناب، الهام‌بخش و اثرگذار باشند، تا زمانی که به درستی فهم نشوند و به شایستگی در عمل نیایند، نمی‌توانند نقشی بیافرینند و اثری بر جای نهند. در این نوشتار به مواردی از کارکرد دین در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی اشاره می‌کنیم:

۱. حوزه فردی

مکتب‌های بشری معمولاً پشتوانه اخلاق را وجدان معرفی می‌کنند، اما تردیدی نیست که قدرت تمایلات نفسانی در انسان تا حدی است که وجدان معمولاً به تنهایی قادر به استقامت در برابر آنها نیست. تجربه‌های تلخ بی‌شمار، گویای آن است که انسان به راحتی وجدان خویش را تخریب کرده و ندای آن را به کلی از بین می‌برد، مگر اینکه نیروی وجدان، به نیروی برتر دیگری همچون ایمان به خدا و قیامت مجهز باشد. مهم‌ترین راهکارهای اسلام در حوزه فردی عبارتند از:

الف) خداباوری

از جمله آموزه‌های دینی، پذیرش خداوندی است که همه چیز در قدرت اوست. اعتقاد به خداوندی حاضر و ناظر بر خلوت و جلوت آدمی، عامل بازدارنده بسیار مهمی به شمار می‌آید. اگر این رهکارها در حوزه فردی استفاده شود، در عرصه‌های دیگر نیز جرم کاهش می‌یابد. قرآن مجید در موارد متعددی به این مسئله مهم اشاره کرده است:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعَلَمُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ

حَبْلِ الْوَرِيدِ: ^۱ ما انسان را آفریدیم و می‌دانیم که نفس او چه

وسوسه‌ای به او می‌کند و ما از شاه‌رگ او به او نزدیک‌تریم.

یار نزدیک‌تر از من به من است وین عجب‌تر که من از وی دورم

در جای دیگری می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا»: ^۲ خداوند همیشه

بر شما نگهبان است». وقتی این خدا‌باوری به مرز تقوا برسد، مصونیت

اجتماعی را به همراه می‌آورد. امام علی علیه السلام از تقوا به عنوان حرز ^۳ و

سپر و دژ محکم ^۴ یاد کرده است. آیا انسانی که شخصیت‌اش که با

چنین نگرشی شکل گرفته باشد، به آسانی به ناهنجاری‌ها تن می‌دهد؟

کدام دولت و حکومتی می‌تواند چنین نظارتی بر افراد جامعه داشته

باشد؟

نماز یکی از راهکارهای دین برای برون‌رفت از آسیب‌های

اجتماعی است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ»: ^۵ نماز را

برپا دار که نماز [انسان را] از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد». بر اساس این

آیه، خداوند اقامه نماز را به طور قطع و یقین، به عنوان عامل پیشگیری

از فحشا و منکرات معرفی کرده است. اگر چه نهی از فحشا و منکر،

سلسله مراتب و درجات زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت

شرایط، اثر بازدارندگی دارد. چنانکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره جوان

۱. ق: ۱۶.

۲. نساء: ۱.

۳. محمد بن حسین الشریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ خطبه ۱۹۱.

۴. همان، خطبه ۱۵۶.

۵. عنکبوت: ۴۵.

نمازخوانی که مرتکب گناه می‌شد، فرمود: «إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا مَّا فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ تَابَ: ^۱ یک روز نمازش او را از گناه باز می‌دارد». چیزی هم نگذشت که آن جوان توبه کرد.
رسم عاشق نیست با یک دل، دو دلبر داشتن

یا ز جانان یا ز جان بایست دل بر داشتن

نماز، سرعت‌گیر بزرگی است که حرکت شیطان‌ها را کند می‌کند و آنان را به خشم می‌آورد. این دشمن قسم‌خورده و ایادی او، تمام تلاش خود می‌کشند مانع «اقامه نماز» شوند تا راه‌های پیروی از هوی و هوس هموار شود: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا: ^۲ آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوس‌ها پیروی کردند و به زودی سزای گمراهی خود را خواهند دید».

ب) معادباوری

اعتقاد به معاد با کارکردهایی که در فرد و جامعه دارد، می‌تواند مانع بسیاری از انحراف‌های جامعه شود. وجود ۱۴۰۰ آیه درباره معاد، بیانگر اهمیت این مسأله است. کسی که به روز قیامت اعتقاد داشته باشد، می‌داند رفتارش رنگ ابدی به خود می‌گیرد؛ بنابراین در برابر مسائل زندگی فردی و اجتماعی، احساس مسئولیت بیشتری می‌کند. از نگاه قرآن نه تنها ایمان و یقین قطعی به روز قیامت، برای تربیت انسان کافی است؛ بلکه ظن و گمان به آن نیز اثر عمیقی دارد: «أَلَا يَظُنُّ

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۷۹، ص ۱۹۸.

۲. مریم: ۵۹.

اولئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ: ^۱ آیا این کم‌فروشان گمان نمی‌کنند در روز بزرگی برانگیخته خواهند شد؟».

۲. حوزه خانوادگی

محققان اجتماعی بر این باورند که جامعه، متشکل از خانواده‌هاست و سلامت و سعادت جامعه، به سلامت و پویایی نظام خانواده بستگی دارد. بر اساس نتایج یک پژوهش، ۴۷ نفر از جامعه آماری برخی از عوامل کلیدی و مهم بزهکاری خویش را والدین، خانواده، بی‌توجهی، بی‌موالاتی و عدم نظارت آنان دانسته‌اند. در حقیقت از نظر آنان، والدین ایشان در بزهکاری‌شان نقش داشته‌اند.^۲ بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، بیانگر آن است که عمده عوامل سرقت توسط سارقان، «بدرفتاری، بداخلاقی، بی‌تفاوتی، بدزبانی و عدم برآورده شدن انتظارات از سوی همسر، خانواده و والدین» بوده است.^۳ قربانیان اصلی عملکرد نامطلوب خانواده‌ها، کودکان و نوجوانانند. بررسی‌ها نشان می‌دهد عملکرد بد و نامناسب خانواده، مهم‌ترین عامل در پیش‌بینی ناسازگاری نوجوانان است. طلاق به عنوان پدیده‌ای شوم، می‌تواند به انحرافات جنسی، خودکشی، فرار از منزل، سرقت، اعتیاد، تکدی‌گری، ولگردی و ... منجر شود. یکی از مسئولان، طلاق را عامل اصلی بروز ۷۰ درصد آسیب‌های اجتماعی دانسته است.^۴

۱. مظفین: ۷ - ۵.

۲. مجله زن روز، ش ۱۷۲۳، ص ۱۴.

۳. علی اصغر قربان حسینی؛ جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت؛ ص ۳۱.

۴. جام‌جم آنلاین؛ «طلاق، ریشه پیدایش آسیب‌های اجتماعی»؛ ۱۳۹۰/۰۱/۲۸.

نقش دین در تحکیم روابط خانواده

از دیدگاه قرآن کریم، اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل میان زن و شوهر، معاشرت به معروف است: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۱ و با ایشان [زنان] به شایستگی رفتار کنید». معاشرت به شیوه‌ای معروف، نیکو و شایسته می‌تواند بسیاری از مشکلات زندگی را مرتفع کند. معروف، یعنی هر چیزی که قرآن، روایات، عقل و عرف آن را به رسمیت شناخته و بپسندد.

یکی از اصولی که قرآن کریم در حوزه خانواده مورد توجه قرار داده است، اصل «حکمیت» است. حکمیت یا داوری، ویژه مواردی است که در روابط خانوادگی، تفاهم جای خود را به شقاق و اختلاف داده است:

«وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَبِيرًا»^۲ و اگر از جدایی میان زن و شوهر بیم دارید، پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد. آری! خدا دانای آگاه است».

بنا بر توصیه قرآن، به جای مراجعه زوجین به دادگاه و حلّ موضوع از طریق رسیدگی‌های قضایی، بهتر است با انتخاب داورانی از میان بستگان طرفین، در رفع اختلاف و ایجاد صلح و سازش اقدام نمود.

۱. روم: ۲۱.

۲. نساء: ۳۵.

۳. حوزه اقتصادی

یکی از بنیادی‌ترین مشکلات و ناهنجارترین دردهای زندگی انسان، فقر است که با وجود پیشرفت و توسعه گسترده در زندگی بشری، میزان آن نه تنها کاسته نشده؛ بلکه بر طبق آمارهای موجود در حال افزایش است. مشکلات فقر تنها منحصر به پیامدهای خود فقر نیست؛ بلکه مشکلات این مسأله اجتماعی، زمانی شدت می‌یابد که بسترساز انحرافات می‌گردد. امام علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَلْمُ إِنْسَانًا يَطْلُبُ قُوَّتَهُ فَمَنْ عَدِمَ قُوَّتَهُ كَثُرَ خَطَايَاهُ»^۱ فرزندم انسانی را که به دنبال کسب روزی خویش است، ملامت مکن؛ زیرا کسی که هیچ ندارد، لغزش‌هایش بسیار خواهد بود». امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «غِنَى يَحْجُزُكَ عَنِ الظُّلْمِ خَيْرٌ مِنْ قُفْرٍ يَحْمِلُكَ عَلَى الْإِثْمِ»^۲ ثروتی که تو را از ظلم و ستم باز دارد، بهتر از فقری است که تو را به گناه و زشتی وا دارد». در حقیقت فقر، جاده‌ای است که می‌تواند رونده خویش را به دامان کفر رهنمون سازد.

نقش دین در فقرزدایی

در آموزه‌های دینی، راهکارهایی برای درمان فقر بیان شده است که می‌توان آنها را به دو بخش راهکارهای موقت و مقدماتی و راهکارهای بنیادین و ریشه‌ای تقسیم کرد.

الف) تغییر نگرش نسبت به ثروت

از نظر قرآن، نخستین گام برای فقرزدایی و پیشگیری از ناهنجاری

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۶۹، ص ۴۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۸، ص ۷۲.

حاصل از آن، تغییر فرهنگی و اجتماعی جامعه است؛ زیرا تا زمانی که جامعه به درک درستی از حقیقت رزق الهی نرسد، نمی‌تواند به فقرزدایی اقدام کند. اموال ملک شخصی نیست؛ بلکه امانتی در دست انسان است، چنانکه خداوند می‌فرماید: «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»^۱ آنچه روزی ایشان کردیم». بنابراین صاحب مال نباید بر سائل و محروم متنی بگذارد؛ بلکه با احترام، مالش را به کسانی بدهد که در واقع شریکان اویند: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»^۲ آن کسانی که در اموال ایشان، حقی مشخص و معلوم برای سائل و محروم است». بر این اساس بود که بزرگان به حمایت از فقیران توجه خاص داشتند.

روزی آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی ناچار شد لحاف خویش را در معرض فروش قرار دهد تا از این راه مقداری از نیازمندی‌های بسیار ضروری وی رفع شود. هم‌زمان با این کار، فردی مستمند به وی مراجعه کرد و وضعیت نابهنجار زندگی خویش را بازگو ساخت و دست حاجت به سوی او دراز کرد. شنیدن وضع اسفبار این مرد، روح حساس و ظریف آیت الله اصفهانی را آزد و او را متأثر کرد. از این رو، مبلغی را که از بابت فروش لحاف به دست آورده بود، به این شخص مستمند واگذار کرد.^۳

۱. نحل: ۵۶؛ فاطر: ۲۹.

۲. معارج: ۲۴ و ۲۵.

۳. معصومه عبدالحسینی؛ «سیره رفتاری علما در کمک به محرومان»؛ مجله طوبی؛ تیر

۱۳۸۶، شماره ۱۸، ص ۸۳ - ۸۶.

ب) تأکید بر توزیع عادلانه ثروت جامعه

یکی از مهم‌ترین راهکارهای فقرزدایی که در آیات قرآن بیان شده است، توزیع عادلانه ثروت عمومی جامعه است. انفال، زکات و صدقات دیگر که در اختیار نهادهای نظام سیاسی ولایی است، باید برای پر کردن شکاف طبقاتی و اصلاح وضعیت اقتصادی جامعه به کار گرفته شود:

مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ: ۱

آنچه خدا از دارایی ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگردد.

ج) تأکید بر انفاق و صدقه

از آنجا که ثروت عمومی نمی‌تواند به تنهایی شکاف طبقاتی را کاهش دهد، بر انفاق و صدقه تأکید شده است؛ زیرا وقتی هر کسی بخشی از مال خود را به سائل و فقیر بدهد، میزان ثروت شخص چنان افزایش نمی‌یابد که شکاف طبقاتی نابهنجار پدید آید. از همین روست که قرآن بر صدقات و انفاق تأکید کرده است. بنا بر آیات قرآن وقتی پرده‌ها کنار می‌رود و محتضر، مرگ را می‌بیند، در می‌یابد مهم‌ترین کار پس از نماز، صدقه و انفاق کردن است؛ از این رو خواستار تأخیر مرگ برای انجام این عمل بزرگ عبادی می‌شود:

وَأَنْفُسُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا
أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِنَ الصَّالِحِينَ: ^۱ از آنچه به شما
روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و
بگوید: پروردگارا! چرا [مرگ] مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا
[در راه خدا] صدقه دهم و از صالحان باشم؟!.

آیت الله خزعلی در خاطرات خود آورده است:

شبی نزد شهید نواب صفوی رحمته الله سی هزار تومان پول برده بودند تا
برای خود خانه‌ای تهیه کند. به او گفته بودند که این مبلغ نه سهم
سادات و نه سهم امام و نه از وجوهات دیگر است؛ بلکه هدیه‌ای از
ما به شما برای خرید یک باب منزل شخصی برای خودتان است تا
از اجاره‌نشینی رها شوید. شهید نواب رحمته الله پاسخ داده بود که اگر پول را
به این شرط می‌دهید، نمی‌پذیریم؛ ولی اگر بدون شرط بدهید و مرا
آزاد بگذارید، خواهم پذیرفت. شخص اهداکننده، پول را بدون شرط
تسلیم او نمود. ایشان همان شب پول را میان بیوه‌زنان، یتیمان و
محرومین و پابرهنگانی که قبلاً آنان را می‌شناخت، توزیع کرد.
گره‌گشایی و رفع نیاز محرومان، از خصوصیات بارز این شهید راه
حق بود. ^۲

یکی از بزرگان می‌گوید: «به یاد دارم زمانی یکی از طلاب بیمار
شد. شیخ عبدالکریم شخصاً دارویش را تهیه کرد و به منزل او برد و

۱. منافقون: ۱۰.

۲. عبدالکریم پاک‌نیا؛ «نواب صفوی، آذرخشی در ظلمت»؛ مبلغان؛ دی و بهمن ۱۳۸۲،

شماره ۴۹، ص ۲۷ - ۴۰.

به خانواده‌اش دستور داد که آن را آماده سازند. سپس خودش دارو را به حجره آن طلبه برد و حتی به خادمش نیز نداد که ببرد.^۱

(د) تأکید بر کار و تولید

شاهراه اصلی معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی، بیکاری است و حل آن، بسیاری از مشکلات اجتماعی، روانی، اقتصادی جامعه را برطرف می‌کند. افزایش اختلالات روانی، افزایش اختلافات خانوادگی، به‌وجود آمدن مشکلات مالی، کاهش رضایت‌مندی از زندگی مشترک، تنش در روابط زناشویی، افزایش اضطراب و استرس، کاهش عزت نفس و احتمال بروز رفتارهای پرخاشگرانه و احساس حقارت، از جمله تبعات منفی بیکاری در خانواده‌های ایرانی است. وقتی رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره کسب و کار فردی سؤال می‌کرد؛ اگر می‌فهمید شغلی ندارد، می‌فرمود: «از چشم من افتاد» و در علتش می‌فرمود: «لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ، يَعْيشُ بِدِينِهِ»^۲ برای آنکه اگر مؤمن شغلی نداشته باشد، زندگی خود را به وسیله دینش اداره می‌کند (دین‌فروشی می‌کند).

اسلام به عنوان دینی جامع و جاویدان، برای اقتصاد و کسب و کار، اهمیت ویژه‌ای قائل شده است تا جایی که کسب و کار را زمینه‌ساز عبادات صحیح و از ارکان قبولی توبه و بخشش الهی معرفی کرده است.

۱. معصومه عبدالحسینی؛ «سیره رفتاری علما در کمک به محرومان»؛ مجله طوبی؛ تیر

۱۳۸۶، شماره ۱۸، ص ۸۳ - ۸۶.

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۱۰۰، ص ۹.

امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينِ»^۱ خداوند کسی را که دارای یک حرفه است و بدان اشتغال دارد و امانت‌دار است، دوست دارد».

۴. حوزه اجتماعی

اگر چه رایج‌ترین نوع فقر در بعد اقتصادی آن مطرح است؛ به گونه‌ای که با شنیدن واژه فقر، سریعاً این عرصه به ذهن متبادر می‌شود، اما بعد دیگر فقر یعنی فقر فرهنگی بسیار عمیق‌تر و ریشه‌دارتر از فقر اقتصادی است. مهم‌ترین شاخصه فقر فرهنگی، جهل و نادانی است؛ زیرا تا کسی از شناخت و آگاهی لازم و صحیح نسبت به هستی، جامعه و انسان برخوردار نباشد، به طور طبیعی قادر نخواهد بود در اوضاع زندگی خود، تغییر و تحولی ایجاد نماید. امام علی علیه السلام فرموده است: «لَا غِنَى كَالْعَقْلِ وَلَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ»^۲ هیچ بی‌نیازی مانند عقل و هیچ فقری مانند نادانی نیست».

امروزه فقر فرهنگی به شکل‌های مختلفی در جامعه ظهور و بروز دارد. در سال‌های اخیر شاهد حرکت‌های موازی و نمایشی ماشین‌های گران‌قیمت در خیابان‌ها و تخلیه هیجان‌های نادرست هستیم که ناشی از فقر فکری، فرهنگی و رفتاری است؛ چرا که تصور می‌کنند همه مشکلات فقط با پول حل می‌شود و چون پول دارند، می‌توانند ساده‌ترین قانون را نیز رعایت نکنند و فراتر از قانون باشند. چنین

۱. محمد بن یعقوب کلینی؛ *الکافی*؛ ج ۵، ص ۱۱۳.

۲. محمد بن حسین الشریف الرضی؛ *نهج البلاغه*؛ تصحیح صبحی صالح؛ حکمت ۵۴.

افرادی، مرفه اقتصادی و فقیر فرهنگی هستند. زندگی تجملاتی دارند، اما حقوق شهروندی را نمی‌دانند. لباس مارک می‌پوشند، اما رکیک‌ترین الفاظ بر زبان‌شان جاری است. ماشین‌های لوکس سوار می‌شوند، اما نه تنها قوانین رانندگی را نمی‌دانند؛ بلکه آشغال خود را نیز به بیرون پرتاب می‌کنند.

راه‌حل دین، امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم امت‌های پیشین را به دلیل جلوگیری نکردن از منکرات و فساد، نکوهش کرده است:

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ: 'پس چرا از میان امت‌های قبل از شما [که به عذاب الهی هلاک شدند] گروهی باقی نماندند تا از فساد در زمین جلوگیری کنند، مگر قلیلی از آنها که ما نجاتشان دادیم.

راه‌حل مشکلات فرهنگی، مهندسی فرهنگی است تا با همان ابزاری که دشمن، فرهنگ را خالی از محتوا کرده است؛ آن را احیا و به مسیر اصلی برگرداند. رسالت اساسی امر به معروف و نهی از منکر، استقرار ارزش‌ها و هنجارهای دینی و انسانی است. نقش محوری و اساسی نخبگان جامعه در این بخش، غیر قابل انکار است. در قیام تاریخی عاشورا، حضرت سیدالشهداء علیه السلام هدف از قیام خود را «اصلاح امت» و اراده خود را «امر به معروف و نهی از منکر» اعلام نمود: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ

أَسْبِرْ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي».^۱ این بیان امام علیه السلام در آن شرایط، ضمن بیان خطیر بودن این نهاد، شیوه اجرایی آن را نیز در شدیدترین حالت آن و در مبارزه با بارزترین منکرات، به تصویر کشیده است.

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۳۳۰: «من به منظور ایجاد صلح و سازش در میان امت جدم خارج شدم. من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. می‌خواهم مطابق سیره جدم رسول‌خدا و پدرم علی بن ابی‌طالب رفتار نمایم».